

## فصل سوم

# چالش‌های جهانی



در فصل قبل خواندید که چگونه جهان غرب، برای عبور از چالش بین رویکرد نظری و عملی کلیسا به نفی رابطه دین و دنیا پرداخت و از رویکرد معنوی نسبت به عالم چشم پوشید.

در قرن هجدهم، ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی برای جهان غرب موجی از امید آفرید؛ امید به حاکمیت دنیوی و این جهانی انسان، امید به قدرت و سلطه آدمی بر طبیعت و امید به ایجاد بهشتی بر روی زمین که پیش از آن در آسمان به دنبال آن بود. جهان غرب در راستای تحقق این آمال و آرزوها، حقوق، سیاست، اقتصاد و صنعت متناسب با فرهنگ خود را پدید آورد و با استقرار بر قله پیروزی از مرزهای جغرافیایی خود فراتر رفت و نظام نوین جهانی را شکل داد ولی با انبوهی از چالش‌ها مواجه شد که به تدریج از متن فرهنگ آن برمی‌خاست. تضادهای فقر و غنا، شمال و جنوب، ... و بحران‌های زیست‌محیطی، معرفتی، معنوی، اخلاقی، عاطفی و... از این فرهنگ سر برآورده‌اند و زندگی بشر بر روی زمین را مختل کرده‌اند. به میزانی که فرهنگ جدید غرب از مرزهای خود فراتر می‌رود و در مسیر جهانی شدن گام برمی‌دارد، تضادها و چالش‌های آن نیز جهانی می‌شوند. در این فصل برخی از چالش‌های جهانی را بررسی می‌کنیم و بررسی سایر چالش‌ها را به مطالعات آزاد شما وا می‌گذاریم.

## ● اهداف فصل سوم

انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی – یادگیری این فصل، شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

۱. مهم‌ترین چالش‌های جهانی را برشمارد و علت اصلی بروز آنها را بشناسد؛ با آوردن نمونه چالش‌های ذاتی، عارضی و چالش‌های درون فرهنگی، برون فرهنگی را برای دیگران توضیح دهد؛ عبور بشریت از این چالش‌ها دغدغه او شود و نسبت به سرنوشت جهان احساس مسئولیت نماید.

۲. علل و پیامدهای جنگ‌های جهانی را با جنگ‌های پیشین تاریخ بشر مقایسه کند جامعه جهانی را از نظر استقرار صلح بررسی نماید؛ ترویج صلح و دوستی میان افراد و گروه‌های انسانی را وظیفه خود بداند و در حد توان از صلح جهانی به عنوان یک ارزش جهان‌شمول پاسداری کند.

۳. نقش متفاوت فرهنگ‌ها و رویکردهای مختلف را در پیدایش بحران زیست‌محیطی تحلیل کند؛ برای مقابله با این بحران احساس مسئولیت نماید و در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی راهکار پیشنهاد دهد.

۴. بحران‌های معرفتی و معنوی را بنیادی‌ترین چالش‌های فرهنگ غرب بداند؛ پیامدهای آنها را شناسایی کند و راه برون رفت از این بحران‌ها را جست‌وجو نماید.



## جهان دو قطبی

درس نهم

اگر جهان غرب با حلّ چالش‌های پیشین، پاسخگوی نیازهای دنیوی و معنوی آدمیان می‌بود، با چالش‌های بنیادین جدید مواجه نمی‌شد. اما فرهنگ جدید غرب، برای حلّ چالش‌های گذشته، مسیری را پیمود که مسائل و مشکلات جدیدی به دنبال آورد. چالش‌های جدید به صورت‌های متفاوتی آشکار می‌شود؛

– اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

– منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

– مقطعی و مستمر

– خرد و کلان

– درون فرهنگی و بین فرهنگی

– ذاتی و عارضی (چالش‌های ذاتی ریشه در عقاید و ارزش‌های درونی جهان اجتماعی دارد و چالش‌های عارضی

در اثر عوامل خارجی پدید می‌آیند.)

– معرفتی و علمی

– معنوی و دینی

....

چالش‌های جدید در بسیاری از موارد چندین صورت دارند مانند اینکه برخی از آنها در عین حال که اقتصادی یا اجتماعی‌اند، می‌توانند خرد یا کلان، مقطعی یا مستمر و ... نیز باشند. به نظر شما چالش فقر و غنا، نمونه کدام

یک از صورت‌های نام‌برده است؟

## چالش فقر و غنا

آیا می‌دانید اولین چالشی که در جوامع صنعتی پدید آمد، چه بود و چگونه پدید آمد؟

لیبرالیسم قرن هجدهم و نوزدهم را لیبرالیسم متقدم می‌نامند. این لیبرالیسم، بیشتر رویکردی فردی و اقتصادی داشت.

لیبرالیسم متقدم، نظام ارباب رعیتی و ارزش‌های اجتماعی مربوط به آن را در هم ریخت. کشاورزان را از بردگی رها کرد، به آنها اجازه داد تا مهاجرت کنند و دربارهٔ شیوهٔ زندگی خود تصمیم بگیرند، موانع ارزشی و هنجارهای پیشین مانند غیر قابل فروش بودن زمین را از پیش پای صاحبان ثروت برداشت، کشاورزان را به صورت کارگرانی درآورد که سرمایه وجود خود را در معرض خرید صاحبان ثروت و صنعت قرار می‌دادند و سرمایه‌داران نیز آزادانه به استثمار و بهره‌کشی از بردگان جدیدی پرداختند که ظاهراً از همه قید و بندهای پیشین آزاد شده بودند.



■ انقلاب صنعتی و بهره‌کشی از کودکان

نظریه پردازان لیبرال، آزادی فعالیت صاحبان سرمایه را ضامن پیشرفت جامعه می‌دانستند و مخالف هر نوع مداخلهٔ دولت بودند. آنان حتی کمک به مستمندان را بیهوده می‌دانستند. در انگلستان که پیشگام در انقلاب صنعتی بود، وضعیت نوانخانه‌ها به گونه‌ای بود که مستمندان مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دادند.

دیکنز در رمان «الیور توئیست» در قالب طنزی خشن، نوانخانه‌ها و فیلسوفانی را که الهام بخش و مدافع آنها بودند، به سخره گرفت.



■ البور توئیست، شخصیت اصلی رمان دیکنز، پسر بیچهٔ یتیمی است که از روی سادگی به وضعیت نوانخانه اعتراض می‌کند.

مالتوس جمعیت‌شناس انگلیسی در نفی حق حیات کسانی که در فقر متولد می‌شوند، گفته است: «انسانی که در دنیای از قبل تملک شده به دنیا می‌آید، اگر نتواند قدرت خود را از والدینش دریافت کند و اگر جامعه خواهان کار او نباشد، هیچ‌گونه حقی برای دریافت کمترین غذا یا چون و چرا در مورد مقام و موقعیت خود ندارد. بر سر سفرهٔ گستردهٔ طبیعت، جایی برای او وجود ندارد، طبیعت حکم به رفتن او می‌دهد و خود این حکم را اجرا می‌کند.»

ریکاردو از اقتصاددانان کلاسیک مخالف دخالت دولت در اقتصاد، حتی افزایش دستمزد کارگران و رفاه آنان را موجب بالاتر رفتن تولید نسل آنها و پیدایش مشکلات بعدی می‌داند و معتقد است: «اگر حکومتگران ما بگذارند سرمایه، پرسودترین راه خود را دنبال کند، کالاها قیمت مناسب خود را داشته باشند، استعداد و تلاش به پاداش طبیعی خود برسد و بلاهت و حماقت نیز مجازات طبیعی خود را ببیند، پیشرفت کشور را به بهترین وجه تأمین خواهند کرد.»



■ جان راسل - توماس مالتوس - دیوید ریکاردو

حاکمیت لیبرالیسم اقتصادی موجب شد تا دولت‌مردان انگلیسی از جمله لرد جان راسل - پدر بزرگ برتراند راسل فیلسوف مشهور - از هر اقدامی برای مقابله با قحطی ایرلند خودداری کنند. این قحطی بیش از یک میلیون نفر مهاجر و قریب به یک و نیم میلیون نفر تلفات جانی داشت. در اوج قحطی، ساکنان روسکومون هر چهل و هشت ساعت یک بار برگ کلم جوشیده می‌خوردند و دولت نه تنها هیچ کمکی به مردم نکرد، حتی جلوی صدور گندم و جواز ایرلند را نگرفت. مردم گرسنه، صدور این غلات را که با حمایت ارتش بریتانیا انجام می‌شد، با خشم نظاره می‌کردند.



■ یادمان قربانیان قحطی بزرگ در دوبلین پایتخت ایرلند

لیبرالیسم با تکیه بر شعار آزادی و خصوصاً آزادی اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرده و عدالت را نادیده گرفته بود. بدین ترتیب، نخستین چالش که چالش فقر و غناست، در بطن کشورهای غربی شکل گرفت.

#### مطالعه کنید

اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی در نقد لیبرالیسم متقدم، از دو مفهوم آزادی مثبت و منفی سخن گفته‌اند. نظرات آیزایا برلین در مورد این دو مفهوم را مطالعه کنید و نتیجه را به کلاس ارائه نمایید.

## شکل‌گیری بلوک شرق و غرب

در مقدمه درس از صورت‌های متفاوت تضادها و چالش‌های جدید سخن گفتیم. آیا می‌دانید تقسیم سیاسی جهان به بلوک شرق و غرب در زمره کدام‌یک از این صورت‌ها بود و چگونه به وجود آمد؟



■ شوروی و آمریکا دو ابر قدرت دوران جنگ سرد



■ استالین - لینن - انگلس - مارکس

برخی از اندیشمندان اروپایی، برای حل مشکل فقر و غنا، در چارچوب ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگ جدید غرب، نظریه‌هایی ارائه دادند. مارکس در نیمه دوم قرن نوزدهم به نقد لیبرالیسم اقتصادی پرداخت. از نظر او چالش‌های جامعه سرمایه‌داری، تنها با یک حرکت انقلابی قابل حل بود. جامعه آرمانی مارکس از فردگرایی لیبرالیستی و اقتصاد سرمایه‌داری عبور می‌کرد، مالکیت خصوصی را از بین می‌برد و صورتی سوسیالیستی و کمونیستی پیدا می‌کرد.

### بخوانیم و بدانیم

#### مارکسیسم، سوسیالیسم، کمونیسم

مارکسیسم ناظر به اندیشه‌های سیاسی مارکس است. مارکس، سوسیالیسم را مرحله‌ای انتقالی برای رسیدن به کمونیسم می‌دانست. سوسیالیسم و کمونیسم - در مقابل فردگرایی لیبرال - دو رویکرد جامعه‌گرا هستند. سوسیالیسم به مالکیت خصوصی معتقد است ولی مانند سرمایه‌داری آن را مطلق نمی‌داند ولی کمونیسم به مالکیت خصوصی قائل نیست.



■ مجلس فرانسه در دوران انقلاب

بعد از انقلاب فرانسه، طرفداران نظریه‌های لیبرالیستی در طرف راست و منتقدان آن در طرف چپ مجلس فرانسه قرار می‌گرفتند. این دو گروه با عنوان دو جریان چپ و راست شناخته شدند.



مخالفان سرمایه‌داری که تحت عنوان جریان چپ قرار می‌گرفتند، احزاب سوسیالیستی و کمونیستی را تشکیل دادند. در این میان حزب کمونیست شوروی در سال ۱۹۱۷م توانست قدرت را در روسیه به دست گیرد.

این دو جریان طی قرن بیستم، بلوک شرق و غرب را شکل دادند. بلوک شرق شامل شوروی سابق، کشورهای اروپای شرقی و چین بود و بلوک غرب، امریکا و اروپای غربی را دربر می‌گرفت. جوامع سوسیالیستی با انتقاد از لیبرالیسم متقدم، عدالت اجتماعی و توزیع مناسب ثروت را شعار خود قرار می‌دادند اما آنها نیز با مشکلات اساسی مواجه شدند.<sup>۱</sup>

چالش و نزاع بلوک شرق و غرب در تمام قرن بیستم تا فروپاشی بلوک شرق در سال ۱۹۹۱م ادامه یافت.



■ سقوط داس و چکش، نماد نظام کمونیستی



■ اعلام تجزیه شوروی و حضور تانک‌ها در میدان سرخ مسکو

۱- جوامع سوسیالیستی با دو مشکل اساسی مواجه شدند:

الف) از بین رفتن آزادی افراد: به بهانه عدالت اقتصادی، نه تنها آزادی معنوی، بلکه آزادی دنیوی افراد نیز از بین رفت.  
ب) پیدایش طبقه جدید: با اینکه مارکس و مارکسیست‌ها طبقه و نظام طبقاتی را محصول سرمایه‌داری می‌دانستند و مورد انتقاد قرار می‌دادند، در دامان کشورهای سوسیالیستی طبقه جدیدی شکل گرفت که نه بر اساس ثروت بلکه بر مدار قدرت سازمان می‌یافت.



این چالش، چالشی منطقه‌ای نبود بلکه چالشی جهانی بود. بلوک شرق و غرب با دو اقتصاد و سیاست متفاوت، جهان را به دو قطب اصلی تقسیم کرده بودند. آمریکا و شوروی به عنوان دو ابرقدرت در کانون این دو قطب قرار داشتند.

این دو قطب با اینکه از نظر سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی در دو بخش متمایز و جدا قرار می‌گرفتند، به فرهنگ واحدی تعلق داشتند؛ یعنی هر دو بلوک درون فرهنگ غرب قرار داشتند.

رویکرد نظری مارکس نسبت به عالم، رویکردی سکولار بود و در چارچوب همان بنیان‌های نظری فرهنگ غرب به حل مسائل اجتماعی جامعه خود می‌پرداخت.

بنابراین، چالش بلوک شرق و غرب از نوع چالش‌هایی بود که درون یک فرهنگ و تمدن واحد پدید می‌آید، نه از نوع چالش‌هایی که بین فرهنگ‌های مختلف، به وجود می‌آید.



■ فروپاشی دیوار برلین که مدت ۲۸ سال این شهر را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده بود.

## گفت‌وگو کنید

در دوران تقسیم دو قطبی جهان به بلوک شرق و غرب، هر یک از کشورهای منطقه خاورمیانه به کدام یک از دو قطب تعلق داشت؟

### مفاهیم اساسی

جهان دو قطبی، .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### خلاصه کنید

- چالش بلوک شرق و غرب از چالش‌های درون تمدن جهان غرب است.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



## جنگ‌ها و تقابل‌های جهانی

### درس دهم

قرآن کریم دو نوع جامعه را در مقابل هم توصیف می‌کند؛

جامعه‌ای که هرگونه ستیزه و نزاع ناشی از خون، نژاد، طبقه، ملیت، جغرافیا و ... را از بین می‌برد و همهٔ بشر را بر مدار آرمانی حقیقی و اصیل جمع می‌کند.

«و همانا این است امت شما، یک امت واحد و منم پروردگار شما...» (مؤمنون: ۵۲)

جامعه‌ای که به گروه‌ها و دسته‌های پراکنده و متخاصم تجزیه می‌شود؛ امکانات گروهی آن پراکنده می‌شود و ظرفیت‌ها و نیروهای آن نابود می‌گردد.

«همانا فرعون روی زمین برتری جویی کرد و اهالی‌اش را گروه‌گروه گردانید، گروهی را به ضعف و ناتوانی کشاند و...» (قصص: ۴).

شما برای هر یک از این دو نوع جامعه، چه نامی انتخاب می‌کنید؟

در این درس از چالش‌ها و ستیزه‌های جهانی دیگری سخن می‌گوییم. از جنگ‌ها و تقابل‌هایی می‌گوییم که بسیاری از ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و نیروهای بشری را به هدر می‌دهد.

آیا می‌دانید علل و پیامدهای جنگ‌های جهانی اول و دوم چه بود؟ از تقابل کشورهای شمال و جنوب جهان چه می‌دانید؟

## جنگ‌های جهانی

جنگ یک پدیده اجتماعی است. جامعه بشری در گذشته تاریخ شاهد جنگ‌های فراوانی بوده است. امپراتوری‌های بزرگ، اغلب مرزهای خود را با پیروزی در جنگ تعیین می‌کردند. برخی از جنگ‌ها نیز منشأ دینی و مذهبی داشته یا با ظاهر مذهبی توجیه می‌شدند. اما جنگ‌های معاصر از جنبه‌های مختلف با جنگ‌های گذشته تفاوت دارند. در مورد جنگ‌های جهانی اول و دوم چه می‌دانید؟ این جنگ‌ها چگونه به وجود آمدند؟ جنگ سرد در چه دوره‌ای اتفاق افتاد؟

اگوست کنت جامعه‌شناس فرانسوی معتقد بود، فاتحان در گذشته تاریخ با غنایم جنگی بر ثروت خود می‌افزودند ولی با رشد علم تجربی و صنعت، ثروت از طریق غلبه بر طبیعت به دست می‌آید. به همین دلیل بعد از انقلاب صنعتی، جنگ از قاموس بشری رخت بر می‌بندد. از دیدگاه او، جنگ در فرهنگ و جامعه جدید غربی، امری ذاتی نیست بلکه امری عارضی و تحمیلی است. وقوع دو جنگ بزرگ جهانی در نیمه اول قرن بیستم، خطا بودن نظریه او را نشان می‌دهد. (جنگ اول در سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۱۴ م و جنگ جهانی دوم در سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۳۹ م.)



■ تندیس کودکان قربانی جنگ جهانی دوم در شهر پراگ پایتخت جمهوری چک



■ جنگ جهانی دوم بر خلاف جنگ جهانی اول به مرزهای کشورهای درگیر جنگ محدود نماند، به درون شهرها کشیده شد و غیر نظامیان، زنان و کودکان را بیش از پیش درگیر جنگ ساخت.

این دو جنگ، بزرگ‌ترین جنگ‌های تاریخ بشریت‌اند. کشته‌های این دو جنگ را تا صد میلیون نفر بیان کرده‌اند. در جنگ جهانی اول، برای نخستین بار از سلاح‌های شیمیایی و در جنگ جهانی دوم، برای اولین بار از بمب اتم استفاده شد.



■ گنبد گنباکو مشهور به گنبد بمب اتمی از معدود بناهای به جا مانده پس از بمباران اتمی شهر هیروشیما است. بمباران اتمی این شهر در جنگ جهانی دوم به دستور امریکا انجام شد که بر اثر آن هزاران ژاپنی در روز انفجار و روزها و ماه‌ها و سال‌های پس از آن جان باختند. ژاپنی‌ها در مراسم یادبود قربانیان فاجعه هیروشیما که هر ساله در مقابل این ساختمان برگزار می‌شود، بارها کردن کبوترها، آرزوی صلح می‌کنند.

از مهم‌ترین عوامل وقوع این دو جنگ، رقابت کشورهای اروپایی بر سر مناطق استعماری بود؛ زیرا سرمایه و صنعت به بازارهای مصرف و نیروی کار ارزان نیاز داشت. دو جنگ جهانی با درگیری کشورهای اروپایی آغاز شد. هیچ یک از این دو جنگ، منشأ دینی نداشت و ظاهر مذهبی و دینی نیز به خود نگرفت. طرف‌های درگیر در این دو جنگ، در قالب اندیشه‌های ناسیونالیستی، لیبرالیستی و سوسیالیستی، رفتار خود را توجیه می‌کردند. بنابراین این دو جنگ ریشه در فرهنگ غرب داشت. با این همه دو جنگ اول و دوم به کشورهای اروپایی و غربی محدود نشد؛ بلکه همه جهان را درگیر خود ساخت و بعد از جنگ دوم نیز صلحی پایدار، برقرار نگردید و جنگ بر متفقین دیروز سایه انداخت.



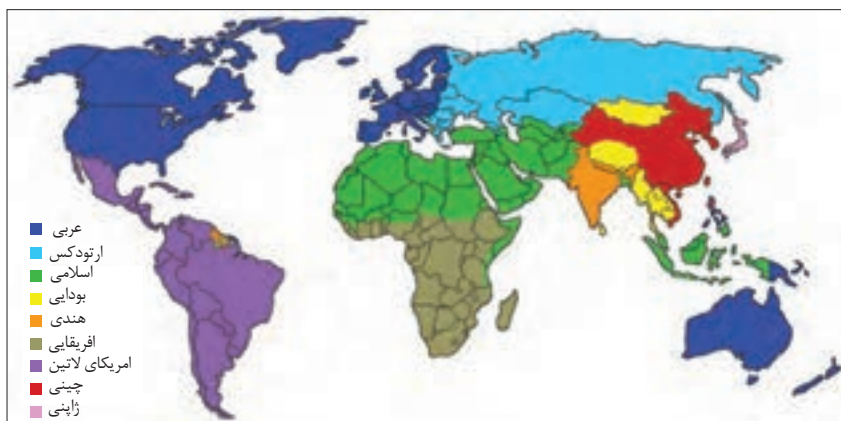
■ بحران موشکی کوبا که جهان را تا آستانه جنگ جهانی سوم پیش برد؛ حضور هم‌زمان ناوهای شوروی و امریکا در آب‌های کوبا، تصمیم شوروی مبنی بر استقرار موشک‌های میان‌برد در کوبا

بلوک شرق و غرب هر یک بخشی از جهان را زیر نفوذ خود قرار دادند و تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جنگ سرد بین این دو بلوک، به همراه جنگ گرم بین مناطق پیرامونی این دو ادامه یافت و به اقتصاد کشورهای صنعتی یعنی اقتصاد وابسته به تسلیحات نظامی رونق بخشید.



■ جنگ ویتنام که جهنمی‌ترین جنگ قرن بیستم نام گرفت، زمانی آغاز شد که آتش جنگ کره به تازگی خاموش شده بود. در جنگ ویتنام و جنگ کره، نیروهای امریکا و شوروی در برابر یکدیگر صف‌آرایی کردند.

نظریه پردازان غربی پس از فروپاشی بلوک شرق، جنگ را از کشورهای غربی به فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی منتقل کرده‌اند که در دوران استعمار، تحت سلطه جهان غرب قرار گرفته بودند. نظریه جنگ تمدن‌های هانتینگتون، نظریه‌ای بود که عملیات نظامی قدرت‌های غربی را در مقابله با مقاومت‌های کشورهای غیرغربی توجیه می‌کرد. هانتینگتون از آخرین مرحله درگیری‌ها در جهان معاصر با عنوان جنگ تمدن‌ها یاد می‌کند. از نگاه او در این مرحله، منشأ اصلی درگیری‌ها در جهان، عامل فرهنگی است و در این میان، فرهنگ اسلامی بزرگ‌ترین تهدید برای غرب است.



■ نقشه تقسیم جهان به حوزه‌های تمدنی متفاوت

## بخوانیم و بدانیم

واژه صلح و آشتی در مقابل جنگ و نزاع به کار می‌رود ولی صلح صرفاً به معنی نبود نزاع و جنگ نیست بلکه معنای عمیق‌تر و وسیع‌تری دارد.

صلح یکی از ارزش‌های بشری است که همواره در معرض خطر قرار دارد و به همین دلیل ما انسان‌ها باید در پاسداشت آن بکوشیم.

اولین پیام هر مسلمان در برخورد با دیگران واژه سلام است. مسلمانان و سلام و اسلام هر سه از ریشه سلم به معنای درستی خواه در جسم و خواه در روان انسان است. سلم در قرآن در برابر جنگ به کار رفته. همان‌طور که صلح نیز در برابر اختلاف به کار رفته است. اسلام و اصلاح به معنای رفع جنگ و اختلاف است.

واژه صلح و مشتقات آن در قرآن کریم ۱۸۰ بار تکرار شده است. قرآن کریم مؤمنان را به ایجاد صلح و دوستی میان انسان‌ها فرا می‌خواند و آن را مایه جلب رحمت الهی می‌داند. البته صلحی عادلانه. (حجرات: ۹ و ۱۰).

ما همیشه صلح طلبیم ولی نه صلحی که جانی را بر سر جنایت خودش باقی بگذارد، چنین صلحی، صلح نیست. (امام خمینی رحمته الله علیه)

۲۱ سپتامبر روز جهانی صلح است. همه ساله در این روز زنگ صلح در مقر سازمان ملل به صدا در می‌آید. این زنگ که یادآور هزینهٔ انسانی جنگ است، توسط ژاپن از سکه‌های اهدایی کودکان ۶۰ کشور جهان ساخته و به سازمان ملل هدیه شده است. در کنار این زنگ نوشته شده «زنده باد صلح مطلق جهانی!»



این زنگ در حالی به صدا در می‌آید که چشم انداز دنیای کنونی، چشم اندازی دلهره آور است. قرن ما جنگ زده‌ترین دوران تاریخ بشر است، ما نخستین نسلی در تاریخ بشر هستیم که با تهدید انقراض زندگی می‌کند و جنگ همواره ادامه دارد.

### گفت‌وگو کنید

– شما وضعیت نظام جهانی موجود را از نظر استقرار صلحی پایدار، چگونه توصیف و ارزیابی می‌کنید؟ آیا عملکرد سازمان ملل و شورای امنیت در این راستا کارساز بوده است؟ دلایل خود را ذکر کنید.

– دربارهٔ پیامدهای اقتصادی جنگ جهانی اول و پیامدهای سیاسی جنگ جهانی دوم در ایران گفت‌وگو کنید.



■ ۷۲ ساعت پس از انتشار گزارش سازمان ملل مبنی بر قرار گرفتن نام عربستان در فهرست ناقضان حقوق کودک در جنگ با یمن، نام این کشور از لیست مذکور حذف شد. به دلیل آنکه عربستان، سازمان ملل را به قطع کمک‌های چند صد میلیون دلاری‌اش تهدید کرده بود.

### ببینیم و بدانیم

مستند آخر الزمان روایتی تصویری از جنگ‌های جهانی اول و دوم است. با دیدن این مستند، اطلاعات قابل توجهی دربارهٔ علل و پیامدهای دو جنگ جهانی به‌دست می‌آورد.



## شمال و جنوب

برخی مفاهیم طبیعی و جغرافیایی مانند «شمال و جنوب» معنای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیدا می‌کنند. تقابل شمال و جنوب به تقابل کدام کشورها اشاره دارد؟ اصطلاحات مشابه آنها کدام است؟



از آنجا که بیشتر کشورهای صنعتی و ثروتمند در نیمکره شمالی زمین و اغلب کشورهای فقیر در نیمکره جنوبی قرار دارند، از تقابل کشورهای فقیر و غنی به تقابل شمال و جنوب یاد می‌کنند. مفاهیم شمال و جنوب، عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم به کار برده شد زیرا برخی اندیشمندان معتقد بودند که چالش بلوک شرق و غرب، چالش اصلی نیست بلکه چالش اصلی بین کشورهای غنی و فقیر است.

اصطلاحات سیاسی مشابه دیگری نیز برای اشاره به این چالش وجود دارد؛ مانند جهان اول و دوم و سوم، کشورهای توسعه یافته و عقب مانده، مرکز و پیرامون، استعمارگر و استعمارزده. مراد از جهان اول، کشورهای سرمایه‌داری بلوک غرب است و منظور از جهان دوم، کشورهایی است که در کانون بلوک شرق قرار داشتند. جهان سوم، کشورهای دیگری هستند که خارج از این دو بلوک قرار داشته و تحت نفوذ آنها واقع می‌شدند.

از کشورهای صنعتی و ثروتمند با عنوان کشورهای توسعه یافته نیز یاد می‌شود و به کشورهای دیگر هنگامی که با آنها مقایسه می‌شوند، کشورهای عقب مانده، توسعه نیافته یا در حال توسعه می‌گویند. این اصطلاحات به این نکته اشاره دارد که کشورهای توسعه یافته، الگوی کشورهای دیگرند و سایر کشورها باید مسیر کشورهای توسعه یافته را ادامه دهند.

اصطلاح مرکز و پیرامون به نقش مرکزی کشورهای ثروتمند و صنعتی اشاره دارد. این اصطلاح کسانی به کار می‌برند که معتقدند، کشورهای پیرامونی به سبب نوع عملکرد کشورهای مرکزی، در موقعیت ضعف و فقر قرار می‌گیرند. بر اساس این نظر، جوامع غربی، چالش‌های درونی خود را از

طریق استثمار کشورهای غیر غربی حل می کنند زیرا با ثروتی که از کشورهای پیرامونی به دست می آورند، رفاه عمومی را برای کارگران و اقشار ضعیف جوامع غربی تأمین می کنند و مشکلات حادّ درونی را به بیرون از مرزهای خود انتقال می دهند. آنها با سرمایه گذاری های مشترک و معاهدات بین المللی، انتقال ثروت را از کشورهای پیرامون به کشورهای مرکز تسهیل می کنند.



■ قاره افریقا از منابع و معادن ارزشمندی مانند نفت، الماس، طلا، اورانیوم، آهن، مس، نقره و ... برخوردار است اما در نتیجه استثمار، فقیرترین قاره مسکونی دنیاست.

اصطلاح استثمارگر و استعمارزده را کسانی به کار می برند که چالش و نزاع بین کشورهای غنی و فقیر را به ابعاد اقتصادی محدود نمی کنند و به ابعاد فرهنگی آن نیز توجه دارند. از نظر این گروه، مشکل کشورهای فقیر تنها ضعف اقتصادی و صنعتی آنها نیست بلکه خودباختگی فرهنگی و الگوپذیری مقلدانه آنهاست.

تقابل شمال و جنوب تقابلی جهانی است و در صورتی که فعال شود، بسیاری از چالش های درونی کشورهای غربی، دیگر بار فعال خواهند شد.

### گفت و گو کنید

به نظر شما چه رابطه ای میان چالش فقر و غنا در کشورهای اروپایی با چالش های زیر وجود دارد؟  
 - شکل گیری بلوک شرق و غرب در جهان  
 - ایجاد تقابل شمال و جنوب در جهان

### مفاهیم اساسی

کشورهای شمال و جنوب، .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### خلاصه کنید

- اصطلاح استعمارگر و استعمارزده را کسانی به کار می‌برند که به ابعاد فرهنگی چالش و نزاع میان کشورهای غنی و فقیر توجه دارند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



## درس یازدهم بحران‌های اقتصادی و زیست محیطی

«گویند مولانا قطب‌الدین در راهی می‌رفت، شخصی از بامی افتاد و بر گردن مولانا آمد، چنان‌که مهره گردن او قصبوری (شکستگی‌ای) یافت و چند روز بدان سبب صاحب بستر گشت (بستری شد). جمعی از اکابر وقت، به عیادت او آمدند و گفتند: چه حال است؟ گفت: حال از این بدتر چه باشد که دیگری از بام بیفتد و گردن من بشکند!» (لطایف الطوائف)

اغلب پیامدهای خوب و بد کنش‌های افراد و جوامع صرفاً متوجه خودشان نیست. امروزه بسیاری از بحران‌ها در مناطق خاصی پدید می‌آیند ولی به سایر نقاط دنیا تسری می‌یابند. کشورها در ایجاد بحران‌ها، سهم یکسانی ندارند اما همه از پیامدهای نامطلوب آن متأثر می‌شوند.

بحران چیست و چگونه ایجاد می‌شود؟ می‌دانید که به پدیده‌هایی مانند منظومه شمسی، رایانه، بدن انسان، جامعه و... نظام می‌گویند. به این دلیل که هر کدام مجموعه منظمی از اجزای به هم پیوسته‌اند و برای رسیدن به هدفی مشترک با یکدیگر در ارتباط‌اند، هر نظامی در حالت طبیعی از تعادل برخوردار است. بحران هنگامی ایجاد می‌شود که برخی تغییرات درونی و بیرونی، تعادل نظام را بر هم بزند و نظام نتواند با مهار آن تغییرات، تعادل مجدد خود را به دست بیاورد. به عنوان مثال بدن انسان همواره در معرض عوامل بیماری‌زا قرار دارد و بیمار می‌شود ولی هنگامی که بیماری غیرقابل کنترل شود و بدن را از وضعیت طبیعی خارج نمایند، بحران پدید می‌آید.

نظام جهانی نیز دچار بحران‌هایی می‌شود در واقع بحران‌ها، چالش‌های مهار نشدنی هستند. بحران اقتصادی و بحران زیست محیطی از جمله این بحران‌هاست. در مورد این بحران‌ها چه می‌دانید؟ بحران اقتصادی چگونه ایجاد می‌شود و چگونه به مناطق مختلف دنیا انتقال می‌یابد؟ آیا فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در ایجاد بحران زیست محیطی سهم یکسانی دارند؟

## بحران های اقتصادی

بحران اقتصادی، آسیبی است که نظام اقتصادی را دچار اختلال می کند. آیا می دانید بحران اقتصادی چه مسائلی به دنبال می آورد؟

در بحران اقتصادی، قدرت خرید مصرف کنندگان به شدت کاهش می یابد. تولیدکنندگان، بازار فروش خود را از دست می دهند، در نتیجه کارخانه ها تعطیل می شوند و کارگران بیکار می گردند. این نوع بحران می تواند در اثر عوامل مختلفی ایجاد شود.

در تاریخ اقتصاد سرمایه داری غرب، بحران های اقتصادی به طور متناوب و با شدت و ضعف های متفاوت، پدید آمده اند. نخستین بحران اقتصادی در سال ۱۸۲۰م در انگلستان به وجود آمد و مهم ترین آنها در فاصله بین دو جنگ جهانی، در سال های ۱۹۳۳ تا ۱۹۲۹م اتفاق افتاد. زیان اقتصادی ناشی از این بحران کمتر از زیان اقتصادی جنگ جهانی اول نبود. در این بحران، ۴۰ میلیون کارگر بیکار شدند و هزاران مؤسسه اقتصادی ورشکست شد.



■ بحران اقتصادی غرب در سال های بین دو جنگ جهانی



■ بحران اقتصادی اخیر در غرب

بحران اقتصادی اخیر در اروپا و امریکا از سال ۲۰۰۸ شروع شده است و به رغم تلاش هایی که برای مهار آن می شود، همچنان ادامه دارد. بحران اقتصادی و چالش فقر و غنا هر دو، هویتی اقتصادی دارند ولی تفاوت هایی نیز با یکدیگر دارند. چالش فقر و غنا چالشی مستمر در سرمایه داری غربی است ولی بحران اقتصادی اغلب دوره ای و مقطعی است.



■ فقر و غنا چالشی مستمر در سرمایه داری غربی

آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است، ولی آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی تمامی جامعه را در بر می‌گیرد. البته سرمایه‌داران به رغم آسیب‌هایی که می‌بینند، با استفاده از ابزارهایی که دارند، فشارهای ناشی از بحران‌های اقتصادی را به اقشار ضعیف و تولیدکنندگان خرد انتقال می‌دهند. به همین دلیل، بحران اقتصادی اغلب با مسئله فقر و غنا پیوند می‌خورد و بر دامنه آن می‌افزاید.

یک بحران اقتصادی در صورتی که کنترل نشود می‌تواند به فروپاشی حکومت‌ها منجر شود. بحران‌های اقتصادی در ابتدا به کشورهای غربی محدود می‌شد و از عوامل داخلی آنها اثر می‌پذیرفت، ولی با شکل‌گیری اقتصاد جهانی و کاهش اهمیت مرزهای سیاسی و جغرافیایی، این بحران‌های منطقه‌ای به سرعت آثار و پیامدهای جهانی خود را آشکار ساخت.

#### تحقیق کنید



درباره جنبش وال استریت و ارتباط آن با بحران اقتصادی ۲۰۰۸ میلادی تحقیق کنید.

## بحران های زیست محیطی

محیط طبیعی که در آن زندگی می کنیم محیط زیست ما را تشکیل می دهد. برخی بحران های محیط زیست را مشکل سرنوشت ساز قرن بیستم دانسته اند. بحران های محیط زیست چرا پدید آمده و چه مسائلی را به دنبال آورده است؟

### بخوانیم و بدانیم



■ نخلستان های ایران، قربانی خشکسالی



■ دفن زباله های سستی در کشورهای جهان سوم



■ جزیره هندرسون مشهور به جزیره پلاستیکی، مقصد پلاستیک های شناور در اقیانوس آرام و آلوده ترین نقطه جهان

در دو دهه سال اخیر، تغییراتی شگرف در محیط زیست رخ داده است. اگر تاریخ کره زمین را در یک فیلم یک ساله فشرده کنیم به طوری که هر ثانیه، ۱۴۶ سال را در خود جای دهد، دوره اخیر حدود یک ثانیه از عمر زمین را تشکیل می دهد ولی تغییراتی که بشر در این مدت در طبیعت و محیط زیست ایجاد کرده بیشتر از تغییرات سراسر عمر زمین است. تغییراتی که آسیب های زیست محیطی بسیاری را به دنبال داشته است؛

– آلودگی هوا در اثر گازهای شیمیایی، ریزگردها و فلزات سنگین

– تخریب لایه اوزون در اثر افزایش تولید گازهای گلخانه ای  
– از بین رفتن منابع آب در اثر آلودگی آب های سطحی و زیر زمینی

– آلودگی دریاها در اثر عوامل فیزیکی و شیمیایی  
– بارش باران های اسیدی در اثر آلودگی آب و هوا  
– گرم شدن کره زمین و خشکسالی

– مسمومیت خاک در اثر تجمع مواد زاید تجزیه ناپذیر، سموم آفت کش، مواد رادیو اکتیو و پلیمرها  
– تهی شدن منابع طبیعی تجدیدنپذیر در نتیجه استفاده بی رویه انسان معاصر

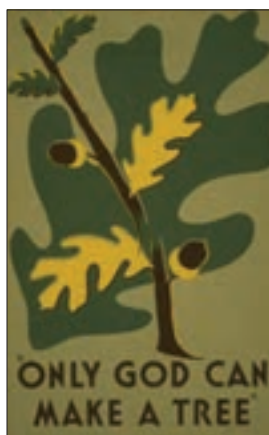
– در معرض نابودی قرار گرفتن حدود یک سوم از انواع جانوران و گیاهان

– و....

از جمله این آسیب های زیست محیطی اند.



امروزه بحران‌های زیست محیطی به منطقه خاصی محدود نمی‌شود و همه محیط طبیعی زندگی انسان اعم از آب، خاک و هوا را فراگرفته است. شهرهای صنعتی، اولین مراکزی بودند که با محیطی آلوده مواجه شدند. پس از آن با گسترش زندگی مدرن در جهان، بر گستره انواع آسیب‌های زیست محیطی افزوده شده است. انسان مدرن با انقلاب صنعتی، تسلط و پیروزی بر طبیعت را به خود نوید می‌داد ولی از همین منظر، طبیعت نیز نخستین مسائل و مشکلات خود را نشان داد. بدین ترتیب رابطه متقابل انسان و طبیعت دچار اختلال گردید. برخی اندیشمندان، بحران‌های محیط زیست را ناشی از نوع رویکرد انسان مدرن و فرهنگ معاصر غرب به طبیعت می‌دانند. فرهنگ مدرن، طبیعت را ماده خام و بی‌جان می‌داند که انسان اجازه هرگونه تصرفی را در آن دارد. در این فرهنگ، انسان بر این گمان است که با تسخیر طبیعت و تصرف آن، تمامی مسائل و مشکلات خود را حل می‌کند.



■ دو نگاه متفاوت به طبیعت

در نگاه توحیدی، طبیعت و هر چه در آن است، آیات و نشانه‌های خداوند است، همه موجودات طبیعی به تسبیح خداوند مشغول‌اند و به سوی او باز می‌گردند. در نگاه اساطیری هم طبیعت، ماده خام نیست بلکه از ابعاد و نیروهای ماورائی نیز برخوردار است. انسان مدرن به دلیل نگاه دنیوی و سکولار خود، نگاه دینی و معنوی به طبیعت را کودکانه می‌پندارد و تصرف در آن را تنها با فنون و روش‌های تجربی انجام می‌دهد از این‌رو گسترش سریع صنعت و تکنولوژی مدرن، علی‌رغم ایجاد توانمندی و آسایش بیشتر، زیان‌های جبران‌ناپذیری برای بشر و طبیعت به بار آورده است. بحران زیست محیطی، ابتدا در حوزه رابطه انسان با طبیعت قرار داشت، ولی به تدریج به روابط انسان‌ها و جوامع با یکدیگر نیز سرایت کرد و به آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

همچون مهاجرت، حاشیه‌نشینی، بیکاری، فقر، اختلافات سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و... منجر شد. به منظور چاره‌اندیشی برای این آسیب‌ها، کنفرانس‌های بین‌المللی متعددی دربارهٔ بحران زیست‌محیطی برگزار شده است که البته از شتاب بحران نکاسته‌اند. اعتراضات و واکنش‌های مردمی در دهه‌های اخیر، جنبش‌های اجتماعی جدیدی پدید آورده است. برخی از این جنبش‌ها، بحران زیست‌محیطی را ناشی از فرهنگ مدرن غرب دانسته و انتقادات خود را متوجه ریشه‌های معرفتی این فرهنگ کرده‌اند و برخی دیگر بازگشت به رویکردهای معنوی به طبیعت را راه‌گریز از بحران می‌دانند.

### بخوانیم و بدانیم

در قرن بیستم کشورهای غربی، زباله‌های سمّی تولید شده در کشورشان را به کشورهای جهان سوم ارسال می‌کردند تا در آنجا دفن و یا انبار شود.

برخی جنبش‌های حامی محیط‌زیست این اقدام را استعمار سمّی و نژاد پرستی زیست‌محیطی نامیده‌اند. استعماری که در آن جوامع سلطه‌گر که حتی سوزاندن و دفن پلاستیک در خاک خود را ممنوع اعلام کرده‌اند، مردم و سرزمینی دیگر را به زباله بان و زباله‌دان خود تبدیل نموده‌اند و زباله‌های اتمی و سمّی خود را در خاک آنها مدفون می‌کنند.

در سال ۱۹۸۹م سازمان ملل با طرح پیمان باسل سعی کرد تا از انتقال زباله‌های کشورهای صنعتی به کشورهای فقیر جلوگیری کند اما برخی کشورهای غربی باسل را نپذیرفتند و برخی دیگر با دور زدن قوانین بین‌المللی و سوء استفاده از نیاز مالی و کم‌اطلاعی افراد و یا دولت‌ها، همچنان به صدور زباله‌های خود به ساحل عاج، غنا، سومالی، نیجریه، مصر، هند، اندونزی، مغولستان و... مشغول‌اند. کشورهای فقیر هم به امید کسب درآمدی ناچیز از این راه، به این تجارت ظالمانه و نابرابر تن داده‌اند.

در قرن بیست‌ویکم صادرات زباله همچنان یک تجارت بین‌المللی پر رونق و روبه‌گسترش است که در کشورهای جهان سوم ایجاد بحران می‌کند. بحران ابیجان در ساحل عاج و بحران بوپال در هند نمونه‌هایی از این بحران‌هاست.

### گفت‌وگو کنید

شما چه راهکارهایی برای مهار بحران‌های زیست‌محیطی در سطوح مختلف فردی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی پیشنهاد می‌کنید؟  
برای انجام این فعالیت، متن سیاست‌های کلی محیط‌زیست در جمهوری اسلامی ایران را مطالعه کنید.





## درس دوازدهم بحران‌های معرفتی و معنوی

چالش‌های جهانی به تدریج و یکی پس از دیگری آشکار می‌شوند، اغلب پایان نمی‌یابند و چالش‌های پیشین علی‌رغم بروز چالش‌های جدید، همچنان باقی می‌مانند. برای مثال اگرچه چالش فقر و غنا در قرن هجدهم بروز کرد اما همچنان با برجاست.

ابتدا چالش‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و... رخ می‌دهند و سپس چالش‌های معرفتی، معنوی، اخلاقی، عاطفی و... ظاهر می‌شوند.

این چالش‌ها در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها به وجود نمی‌آیند و همگی از عمق فرهنگ غرب بر می‌خیزند. علت این



■ نقاشی کوری عساکش کور دیگر اثر پیتر بروگل

چالش‌ها درونی است، نه بیرونی که فرهنگ غرب بتواند آن را به دیگران نسبت دهد. از این رو وقتی آثار چنین چالش‌هایی در سطح جهان آشکار می‌شود، فرهنگ‌های دیگر نباید برای مهار آنها، همان راهی را بروند که جهان غرب می‌رود و چاره این چالش‌ها و درمان این دردها را از آن بخواهند که «اگر کوری، کور دیگر را هدایت کند هر دو به چاه خواهند افتاد.»

برخی چالش‌ها مربوط به لایه‌های سطحی‌تر و برخی مربوط به لایه‌های عمیق‌تر فرهنگ‌اند.

سکولاریسم، اومانیزم و روشنگری، عمیق‌ترین لایه فرهنگ معاصر غرب و روح و شالوده آن هستند، تمامی چالش‌های جهانی، از این لایه هویتی برمی‌خیزند ولی بحران‌های معرفتی و معنوی به این لایه اختصاص دارند. در

مورد این بحران‌ها چه می‌دانید؟

### بحران معرفتی

در درس پنجم درباره‌ی رویکرد معرفتی – علمی فرهنگ غرب پس از رنسانس، مطالبی آموختید. آیا آن رویکرد را به یاد دارید؟ غرب معاصر چگونه از آن بحران علمی – معرفتی عبور کرد و با چه بحران علمی – معرفتی جدیدی مواجه شد؟

در فرهنگ قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود و به موازات آن، شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد. در دوران رنسانس این روش معرفتی، مورد تردید قرار گرفت و به تدریج به بحران معرفتی انجامید.



■ در قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود و با هر نوع روش علمی دیگر مقابله جدی می‌شد.

جهان غرب برای برون‌رفت از این بحران، به سوی نوعی روشنگری پیش رفت که جایگاه وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده می‌انگاشت و به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده می‌کرد. شناخت عقلی جدید نیز بیش از دو سده دوام نیاورد. به همین دلیل در قرن نوزدهم و بیستم، شناخت حسی و تجربی تنها راه شناخت علمی قلمداد شد.

در قرن نوزدهم، جامعه‌شناسان به دنبال آن بودند تا درباره‌ی حقایقی که پیامبران از طریق وحی درباره‌ی جامعه بشری بیان کرده‌اند یا عالمان با استدلال‌های عقلی، به آن رسیده‌اند، با روش حسی و تجربی داوری کنند. جامعه‌شناسی قرن نوزدهم، روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانست، آگاهی‌ها و علوم دیگر جوامع را غیرعلمی می‌خواند و براساس همین باور نیز حضور استعماری غرب در دیگر جوامع را برای خود و دیگران توجیه می‌کرد. بدین ترتیب غرب با ترویج معنای علم مدرن، این مطلب را به نخبگان جوامع غیرغربی القا می‌کرد که پیروی از فرهنگ غرب تنها راه پیشرفت و توسعه‌ی دیگر فرهنگ‌هاست.

بحران معرفتی جدید هنگامی آغاز شد که محدودیت‌های علمی دانش تجربی و همچنین وابستگی آن به معرفت‌های غیرتجربی و غیرحسی آشکار شد. در نیمه‌ی اول قرن بیستم با روشن شدن محدودیت‌های علم تجربی، علم از داوری‌های ارزشی دست شست و روشنگری مدرن به امور طبیعی محدود شد. در نیمه‌ی دوم قرن بیستم با روشن شدن اینکه

علم تجربی دارای مبانی غیر تجربی است، علم مدرن زیر سؤال رفت. همچنین آشکار شد که علوم تجربی در صورتی که از مبادی و مبانی مختلف استفاده کنند، صورت‌های متفاوتی خواهند داشت. بنابراین علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست بلکه تفسیرهای متناسب با فرهنگ‌های دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد.

پرسش از مبانی علوم تجربی غربی، در حقیقت پرسش از بنیان‌های هویتی فرهنگ غرب یعنی لایه‌های عمیق آن بود. با این پرسش، بحران معرفتی - علمی در دو بُعد ظاهر شد:

#### ● افول روشنگری و شکل‌گیری جریان‌های پُست مدرن

روشنگری مدرن از قرن نوزدهم صورتی تجربی پیدا کرده بود و بر اساس آن، شناخت غیر تجربی، علمی قلمداد نمی‌شد ولی پس از اینکه مشخص شد، علم تجربی به معرفت‌های غیر تجربی وابسته است، استقلال معرفت علمی - تجربی مخدوش شد و هویت روشنگرانه آن مورد تردید قرار گرفت. تردید در روشنگری به منزلهٔ تردید در هویت معرفت‌شناختی جهان مدرن بود. دانشمندانی را که در اصل روشنگری علم مدرن تردید کرده‌اند، پسامدرن می‌خوانند چراکه از اصول جهان مدرن عبور کرده‌اند و به فراسوی آن راه برده‌اند.

#### ● ناسازگاری بین ابعاد معرفتی با نیازهای اقتصادی و سیاسی جهان غرب

متفکران پسامدرن هنگامی در اصول و مبانی فرهنگ غرب تردید کردند که سیاست و اقتصاد جهان غرب، ابعاد جهانی پیدا کرده و نیازمند علمی بود که حضور جهانی خود را توجیه کند اما اندیشه‌های پسامدرن این ظرفیت را ندارند.

ناتوانی جهان غرب برای توجیه حضور جهانی خود، در شرایطی که اقتصاد و سیاستش به این حضور نیاز دارد، بعد دیگری از بحران معرفتی - علمی است؛ یعنی ناسازگاری بین عملکرد اقتصادی و سیاسی غرب با توانمندی‌های معرفتی و علمی آن.

فرهنگی که توان معرفتی لازم را برای دفاع از ابعاد گستردهٔ اقتصادی و سیاسی خویش نداشته باشد به حیوان فر توتی می‌ماند که به رغم جثهٔ عظیم خود زمین‌گیر و آسیب‌پذیر شده باشد.

## بحران معنویت

در فرهنگ غرب بار دیگر گرایش به دین و معنویت از سر گرفته شده است و حتی برای پاسخ به نیاز فطری آدمی به معنویت، دین‌های جدید و عرفان‌های رنگارنگ همانند قارچ از زمین روییده‌اند و عده‌ای از آنها پیروی می‌کنند. بحران معنویت چه زمانی و چرا در فرهنگ غرب پدید آمد؟ جامعه‌شناسان با چه نام‌هایی از آن یاد کرده‌اند؟ این بحران چه پیامدهایی داشته است؟

در فرهنگ مدرن، سکولاریسم به صورت آشکار مطرح شد. در این فرهنگ، گرایش‌ها و رفتارهای دینی تنها با توجیه دنیوی امکان مطرح شدن دارند. سکولاریسم به ترتیب در حوزه‌های هنر، اقتصاد، سیاست و علم ظاهر گردید و فرهنگ تخصصی هریک از این حوزه‌ها، سکولار و دنیوی شد؛ اما فرهنگ عمومی<sup>۱</sup> جامعه غربی، آن هم در محدوده زندگی خصوصی، همچنان دینی باقی ماند.



■ حضور دین در فرهنگ عمومی جامعه غربی

برخی جامعه‌شناسان بر این گمان بودند که در قرن بیستم دین از آخرین عرصه حضور خود؛ یعنی قلمرو فرهنگ عمومی نیز بیرون خواهد رفت اما واقعیت، خلاف این پیش‌بینی را نشان داد. طی قرن بیستم نه تنها دین از فرهنگ عمومی مردم خارج نشد بلکه سال‌های پایانی قرن بیستم شاهد بازگشت مجدد نگاه معنوی و دینی، به سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بود. بعضی از این موج که نشانه بحران معنویت در فرهنگ غرب است، با عنوان «افول سکولاریسم» و «پساسکولاریسم» یاد کردند.

مهم‌ترین علت تداوم باورهای دینی و معنوی در زندگی انسان، نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراء طبیعی است. یک فرهنگ علاوه بر آنکه به نیازهای جسمانی و دنیوی انسان پاسخ می‌دهد، باید به نیازهای معنوی و قدسی او نیز پاسخ دهد. همان‌گونه که بی‌توجهی به ابعاد دنیوی به بهانه رویکرد معنوی، به بحران منجر می‌شود، غفلت از ابعاد معنوی به بهانه رویکرد دنیوی شکل دیگری از بحران را به دنبال می‌آورد.

فرهنگ غرب با انکار حقایق قدسی، نه تنها به آرمان‌های انقلاب فرانسه نرسید بلکه با اصالت بخشیدن به انسان دنیوی در قرن بیستم به پوچ‌گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدها انجامید. بدین ترتیب در پایان قرن بیستم جهان غرب از دویستمین سالگرد انقلاب فرانسه، با سکوتی معنادار عبور کرد.

۱- آن بخش از فرهنگ که همه مردم جامعه در آن اشتراک دارند، فرهنگ عمومی جامعه را تشکیل می‌دهد.





■ چالش‌های معنوی، اخلاقی و عاطفی، چالش‌های برخاسته از عمق فرهنگ غرب هستند.

- گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی، پیامدهای اجتماعی مختلفی داشت از آن جمله:
- برخی از نخبگان جهان غرب را به جست‌وجوی سنت‌های قدسی و دینی واداشت.
  - مهاجران ساکن کشورهای غربی را که اغلب مقهور فرهنگ مدرن شده بودند، به سوی هویت دینی خود فراخواند.
  - بازار معنویت‌های کاذب و دروغین را رونق بخشید زیرا هنگامی که سکه‌ای اعتبار پیدا می‌کند، بدل‌سازی آن رواج می‌یابد. خرافه پرستی، شیطان پرستی، انواع بازسازی شده ادیان و عرفان‌های شرقی و سرخ‌پوستی، نمونه‌هایی از این معنویت‌های دروغین هستند.

#### گفت‌وگو کنید

اجلاس هزاره ادیان در آستانه قرن بیست‌ویکم در نیویورک برگزار شد و در آن سران، متفکران و اندیشمندی از ادیان گوناگون جهان، گرد هم آمدند و به بررسی نقش دین در استقرار صلح در جهان پرداختند. به نظر شما چرا نشست‌های مشابه این اجلاس طی قرن بیستم برگزار نشد؟ در این باره گفت‌وگو کنید.

